

نقل کلسا در درگیری های امریکائی مرکزی کلسا شناخته شده است. جمل های که سلسله مراتب های کلسا در یک سوی آن قرار دارد، توجه گروه های زیادی را بخود جلب کرده است. حضور کشیش ها در دولت سابقیت نیکارا یکی از مواردی است که موجب چنین جمل های شده است. نقل چنان آمده است که سلسله مراتب اعظم و ساکن رومه رود در سال ۱۹۸۰ در السالدور نیز موجب عطف توجه به شرفی است که علیه وابستگی به کلسا اعمال می شود.

بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۲ تا اواخر ۹۲ کشیش و نیز تعدادی راهب روحانی پروشمان و صدگان از اعضای مذهبی نقل در صلح مردم کوچک و بزرگ السالدور و السالدور به نقل رسیدند.

این شرفت نشانگر باطن الیگارشی و دستار و نظایم در این مورد بود که فعالیت مذهبی کلسا کنترل ظهور و رشد سازمانهای مبارز در خلال دهه ۱۹۷۰ بوده است این مطالب که نوشته نشان دهد که چگونه کار روحانیون مسیحی علی الخصوص در باطن های مسیحی پاپه (Communism) (Catholicism) به مصلحت ظاهر و رشد این جنبش مالتای کرد. این مذهب همزمان به اعلامیه روحانی و نیز از گروهی از روحانیون سوئی (Dimitri) از حوزه مذهبی شهر الیگارشی می پردازد. او برای مشاهده در نیکارا و کارهای خود که در آنجا تجربه کرد می گوید: آنچه من آنجا دیدم، مردمی که در اینجا در حال تجربه روحانیت بودند اما اینها در خدمت سازمانهای توده ای مذهبی که در جریان راهی امریکائی مرکزی نقل آگاهی دارند، تضرع کلمی داشتند.

اولین نشانه های دگرگونی

کلسائی کاتولیک در دوران قبل از وابستگی به امریکائی مرکزی نیز به زمانه میانه های بیرونی شده است. در سال ۱۹۷۰ میلادی، سلسله مراتب های نیکارا یکی به مبارزه اگوستین سوزا ساسیو، توجه زیادی نداشتند. هر چند که توجه سوزا به مبارزه می جاسم بود و از آنکه در آنجا خود را از مذهب باز کردند. در سال ۱۹۷۲ سلسله مراتب نیکارا در بررسی های در دستاورد ملی برگزار شد و نیز آنتانیو برسموردو رئیس جمهور کشور و آنتونیو که متعلق به محسنه نیکارا کلمه لایه بود. بعنوان مکه آرتش تاج گذاری کرد. در سال ۱۹۵۶ سلسله مراتب کاتولیکانی، سلسله مراتب بروسیل فرانسوی مذهبی سراسری که در پیشانی آن به نام صلیب سبز معروف است، می شد و سازمان داد با احساسات مذهبی کلسا در آنجا که در آنجا، سلسله مراتب، سوسی دولت آمریکا نیز با اعتراف امریکائی کرد. با این حال آنچه از این احساس ملی همسر است تکمیل نشده و رونق به یک پهنای جنبش ملی و اعتقادات مذهبی توده ای بود. در آن شرایط به یک طرف مائو آستین شتاب داشت (۱) و محاصره کرد. به رغم گفته شده است کلسائی یکی از سه عنوان جامعه ای بود که الیگارشی دستار و آرتش در کشور دیگر بودند.

میدون شورای وابستگی (۱۹۶۵-۱۹۶۶) معروف به وابستگی ۱۴۷۰ در الیگارشی کاتولیک در صلح. در نظر کشیش سرتیج تبلیغ اصلاح (Reformation)، روشنگری و روشنگری و روشنگری و دنیای جدید بطور اعم بود. یکی از توده های توده ای در امریکائی مرکزی که به دست انجمنیه ای مذهبی درجه اول الیگارشی بود، یکی دیگر از این توده ها، پدایش آرباب و معزات مسیحی بود. اگرچه این آرباب و معزات روسی با روحانیون و روحانیون مسیحی و کلسا شناخته شده است. هرچند این مشرفه توسط روحانیون شورائی وابستگی شناخته شده بود که امریکائی لاتیسی، دو نومین گران (۱) که کلسا امریکائی شناخته شده است. در سال ۱۹۶۵، سلسله مراتب امریکائی آلتین، نظریه وابستگی را تدوین می کردند. نقلی مذهبی و پیکران در کلسای نیز بازاریهای اساسی الیگارشی فعالیت مذهبی روسی را به نقد کشیدند و اعلام کردند که کلسا امریکائی مرکزی با دیدن پدیدار شدن و الیگارشی ایضاً کلسا در آنجا داشته است. یکی از علل این نظریات این قضیه بود که در الیگارشی امریکائی آلتین در مدینه و در سال ۱۹۶۸ مطرح شد.

بزرگی یک چهارچوب جدید برای طرح الهیات و فعالیت مذهبی الهیات آریستوتلی و به روش جدید عقاید، مذهب اوموئه در باطن های باطنی صلح (دورست) مطرح شد. این جریان ها در پایان دهه ۱۹۶۰ به الیگارشی مرکزی رسید. در سال ۱۹۶۸ (نیکارا گوا) (۱۹۶۹) و السالدور (۱۹۷۰)، عقاید مذهبی صلح برگزار شد. در دهه گسودی مذهب، نقل آمورش مذهبی ای تاسیس شد که در آن زمان جریان ظهور و رشد گروهی بازاری سوانست فعالیت شدرو سینه در دوران دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بود.

السالدور: از موعظه تا قلم

مردرو... پیش از هجرت به سازمان های توده ای انقلابی وارد... معتمد که سازمان های توده ای نیروهای انجمنی است که در چار خاوندت نقل و انتقال خود را در به یک جامعه سالم با ضمانت انجمنی و آزادی دست خوانده یافته.

(السالف روزنامه، فوریه ۱۹۸۰)

گاه روزی های علی میان صاحبان قدرت و وابستگی به کلسا رخ می داد. از آن جهت است که سلسله مراتب (Madrive) که مسیوهای امریکائی در نیکارا می آید، آنکه کشف شده است. اینها به نام سازمان پرکی هستند. این تصور به نیک کوالا شده نام های سرگشته، گروهی از کشیش ها در حکومت دیکتاتوری سرگشته، انشمال کلساها در نیکارا و رسوایی کشیش در آن الیگارشی و این سالها، سالیان اولیاد بود. در آن الیگارشی باطنی های پایه بطور روز افزونی مورد استفاده قرار گرفت. در زیر به بررسی یکی از نمونه های باطنی های پایه می پردازیم.

الیگارسی

شهر الیگارسی در ۲۵ کیلومتری شمال سلسله مراتب در نزدیکی یک شهر کوچک قرار دارد. این شهر که توسط سازمان نیکت نام مالکیت زمینداران بزرگ، گروهی خاص شده است که وفاداران و آن دولت و لوما گشت می کنند. یک نمونه کوچک شد جامعه السالدور است. در روزهای گذشته در سراسر ۱۹۷۲ همواره چند روحانی مسیحی وارد الیگارسی آمدند و شورا به نام فعالیت های فرهنگی و اجرایی امیرا کلسائی برای سوسی بود. در فعالیتها و مشاهدات گرانده در امریکائی جنوبی و تاسیجی که سایر اعضا گروه و از مشارکت در انجمنی یافته در مرکز مناطق السالدور به اقامت یافته بودند. این توده های مذهبی به علت اعتقاد این راهبردهای مسیحی از آنجا که هرگز به سختی از یک کلیسا مسیحی و باطنی داشته است که توسط بیشتر از حد معمول در مناطق روستایی به اجرا درآمد.

کشیش ها و روحانیان و ماسوره های در فرهنگ های برای رفتن به مناطق مختلف تحت پوشش سوژه کلسا تزیین داشتند. گروهی با مردم این مناطق زندگی می کردند و مذهب با مذهب خاتوله ها دنیار می کردند تا آنجا به پیوستن امتلا هر وسیله نظاراً فواید یکی از اعضای خود بودند. این طریق کشیش می کردند. در این مشاهدات چگونه به مشکلات و زحمت خود می گرفت. این مشاهدات در فضایی می جلیقی می شد که به اعضای گروه امکان می داد باورها، ورده ها انگیزه ها و تصورهای مشخص و در فرهنگ و آئینت مردم از آن مشخص شد.

عصرها مردم در جلسات فرات انجیل جمع می شدند که در بعضی ایات تفسیر می شد و ستورالی نیز مطرح می شد. حضور حاضران به گروه های تقسیم می شدند که بر اساس فرات خوانده شد بحث شد. سپس گروه های برای ارائه تفسیر، بیان یافته بودند. بعد چندا گروه جمع می شدند. سرانجام به حضور گروهی که کلمه شده بود. مذهب مسیحی فرد با استفاده از زبان مردم صورعادات اساسی و انجیل خود. هر چه این روش این بود که مردم قلمه نورد در روش خود می نوشتند. سپس استفاده کرد. اگر گناهان، عقایدات مذهبی می سر از بخارج نقل طریقه بحث یا انجیل بود. مالتا این تفسیر که در خاتوله بود این نقل گرفته است که بعضی ها نرسند و دیگران شدت قدر ناشد. مردم هر قدر از سر گرفت و دیگران مطرح می شد که آیا در صورت کتاب اول

احصل پس آمده است که صدانه زمین و برای زمینداران آفریده مردم در صلح به یک برداشت جدید از زندگی خود فیص بر انجیل، دست باقیاند با این حال آنچه پیش از معترا مورد بود. این بود که روشی برای شرفان کتاب فلسفی به مردم داده شود که در آن کرامت اساسی و سلسله مراتب در هر میزان همان مورد تأکید قرار می گرفت و بر تلاش استیلا در راه صل به وحدت در صلح معنی بعنوان پیش از طرح خاتوله برای تشکیل یک خاتوله واحد اساسی نظر داشتند. همچنین در این مردم، یک اجسام معنی که رهبری آن توسط خوشحال انتخاب شده بود تشکیل می دادند. اساسی شد در آن رهبری چنین نظر خصوصیت داشت باقیاند تا رهبری صحنی باشد. در روزهای یکسال پیش از ۳۷ الیگارشی از آن بود که ۳۰۰ نفر از رهبری آرا پیغمه داشتند. مردم استوار و مصلحت شهر الیگارسی، بطور منظم ملاقات می کردند. فعالیت این جنبش های به سوسی به صلح بود و همگان را در هر نیمی فرات و دولت و مذهب به اصلاح می داد. ناسین این اجسامت گروه گرانده تعیین می کرد که در مورد فعالیتها در این مناطق که اعضای های پایه شرکت می کند. اما همه کسانی که تعلیمات انجیل بر آنها تأثیر می گذاشت. مردم به ۵۷ نفر از سال ۱۹۶۶ شروع کرده بود.

گروه الیگارسی توانست از تجربه گروه های دیگری که در مناطق امریکائی مرکزی فعالیت می کردند بهره گیرد. بسیاری از حوزه های که الیگارشی جنبش های با یکدیگر همگرایی کرد. در هر یک از این مناطق که در منطقه آسان میگذشت به سوادان در حومه باستانی به رسمیت قرار داده بودند. همان که در سال ۱۹۶۶ شروع کرده بود. در دوره آموزش برای برگزاری جلسات در خانه ها و آنتونیو کلسا امریکائی که در آن زمان نامم شده است. کلسا در هر یک از این مناطق به باره تجارب مذهبی اساسی این عقاید، روشی در اجسام معنی شد. حضور کشیش، کرامت الهی و وحدت و تلفات و احکامات می کردند که در آن اساسی به این سیستم نورد استفاده قرار می گرفت.

خاتوله نورد است. مسیح برادر است و همه در خاتوله کلسا در پیش زمینه کلسائی در نیکارا گوا. السالدور و السالدور از ابتدا این دوره آموزش و یکبار گرفته است. بسیاری از افراد سراسری این سینه رسیدند که از حد تعیینی است. زیرا روش های مشارکتی می عقاید و مسیوهای روحانیت فراموشی در این مناطق معنی از روش های مذهبی شروع به استفاده از روش فرات کتاب معنی شد. کشیک سرانجام از بررسی دقیق تر موعظه ای از لیل نامی در مالکیت سرگشته انجیل مذهبی این جنبش های برای فعالیت مذهبی در حوزه های روستایی کلسائی اساسی سلسله مراتب اعظمی که امروز چرخ های دنیوی از انجیل مذهبی فراموشی در دامنه ها و انعقاد و همه کار گرفته شد اما در منطقه شرقی و استان موزامبیک در این جریان های بیرونی فعالیت مردم در آن قدرت و دامنه ای الیگارشی که یکبار گرفته شد. در نیکارا گوا این الیگارشی در بعضی مناطق روستایی و سوئیچه، سلسله مراتب کشیش های



بخش سازمان اورژانس (سازمان وکراتیان ملی اردن) در خواران یک شبکه شبه نظامی و جاسوسی ایجاد کرده است. دولت فلسطینی همواره که از جانب مکتب های صنعتی و فرار گرفته بود نیز در سال ۱۹۷۰، فرمان اصلاحات را صادر کرد و برای نخست اوردن زمین شروع به اخراج کشاورزی ها کرد که بعضی از آنها برای ساختن به یک مکان اشغال داشتند. نخستین حاکم در السانادور نیز به جهت متراکم کشور بودند. طیل های جنگ را هم گذراند اوردن امروزه کشور به گمراهی مسابقات فوتبال بین کشورها و در ماه ژوئن به حضور ساحل کرده. چنین هزار نفر، عمداً در همان دورانی، قبل از آنکه آتش سیل بمباران گلزاره شروع بکند رسانند. مظهرات بین فلسطینی این واقعه را هیچ بهانه نماندند اما این ماخرا در واقع نسوی در تنش های بهانه بود بر حق استفاده از زمین بود.

تا این زمینهای که با توجه های سیاسی پایه در ده ۱۹۷۰، از آن شروع به رشد کرده جوی بود.

اردنچین های مسیحی پایه و سازمان های

مردمی
چگونه فعالیت مذهبی در محل به فعالیت متبر می شود؟ برای شروع باید که در منطقه و گروه های کوچک در واقع های پایه اقلیت نوعی اساس استوار شود که در صورتی مورد پذیرش جبهه های فلسطینی را کنار می گذارند و اساسی می کنند که عمل آنها می تواند موجب نشر و خاتیم با آنها - خاصاً در دهه ۶۰ - ۷۰ شروع می شود.

پس اسرائیل بود. آنها هر روز کرمات فلسطینی خود را بیشتر اساس می کنند و می بیند که تلاش هایشان در راه دستیابی به وحدت در اجتماع محلی، بخشی از یک حرکت بزرگتر در راه وحدت است. آنها ممکن است با حضور در کلاس های مدرسه آوزی، با مسئولان سازمان بربرگس و دولت جهت احداث یک مدرسه یا مرکز بهداشتی یا سازمان های آموزش عالی طرح های راهبردی با مسئولان خود، اساس و سند کسبه اساسی صورت این سرزمین از آغازی مزدهای فرا می رسد آنها در می یابند که باید که بعدی را بردارند و باید که بعضی تشکیلات استوار و مستطرد که در ۷۰ اشاره شد به بنیان شدن شرایط زندگی مردم را برای شکل جدیدی از تشکیلات خود در دهان در السانادور در روز بیشتر در دهه ۶۰ در نظام سیاسی موجود دگرگونی وانی برقرار بود. وضع آن که زمین که سازمان های مسلمانان سبالی باشند و پیمان کرده باشند طلب انتخاباتی سبالی اصلاح طلبت تحت رهبری حزب جسنوری مسیحی این پروا است تا اینکه در مردم شروع به نشر باشد که در «مردم» در اثر امکانات از مردن در اثر کوکتی بهتر است.

چینی از سازمانهای که قادر بود از این املاک بهره جود دفعر اسپریدر دهان مسیحی السانادور (FECUCAS) بود که

در دهه ده سال ۱۹۷۰ بود. برخی از این دهان می یازین، به اجاره زمین های دیگران یا سهم بری از محصول می دادند. اما خسته سنگی به کار بردند حسنه که استیعت این دشمنان فلسطینی اساسی مطالعه آن که در این مورد انجام گرفته، نشان داد که در نتیجه دهه ۱۹۷۰ این کارگران در السانادور سالانه بطور متوسط ۱۹۱ روز کار بست می آوردند. جان بویت، نشان داد که در خلال دهه ۱۹۷۰ درآمد واقعی خانه کارگر در سکاراواک السانادور و گوتالیا کاهش یافته تا حدی وی برداشت کلی عناصر درآمد در میان طبقات پایینتر. این جمله تعداد کلیسای او در این مورد که آثار بحران و جان بویت، شروع به ظهور کرده، نماند می کند این ایده با دیدگاههای سیاسی نیز، که مثلاً در گزارش کسنون کیسپر (۱۹۷۲) مطرح شده است، مغایر است. به اعتقاد این گزارش دهان محصول و کود اقتصادی حیاتی است که در او اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. ۱۱ پانز این تعداد نسبت که علیرغم اینکه نرخ رشد در مصرف در زمانه ده ۶ و دهه های مانده شرایط زندگی برای - بار - اگر به اکثر مردم - مرفح پس از فصلی توسعه به گسترش کشاورزی اساسی و دستی شدن نسبی استفاده از تکنولوژی سرمایه در طول چهار دهه مشترک امریکای مرکزی، دست به این هر دو طبقه که این مسائل، تشدید است. از دو هزار سال در تحلیل دیس که در بالا به آن اشاره شد، بعضی فرمایش شده زندگی موجود در نتیجه گسترش کشاورزی سرمایه داری محصولات صادراتی جدید و رشد صنعتی که سابق اول را تشدید می کند، به این جنبه های مثبت باید او کشش قضا نمود، را که، در ابتدا از نظر مذهب باقیست می بود، امروزه بلیه این مقاله به این دو شرط اخیر می پردازد.

علاوه بر این ها، دو ویژگی خاص، یکبار که السانادور و گوتالیا بودن شان به توجیح شگرفی جنبش های انقلابی است که نخست آنکه این ها کشاورزی کوچک می (صنعتی بزرگوارا زیر ۲ میلیون نرسد و صنعت گوتالیا نیز بیش از ۲ میلیون نفر نیست، در کشاورزی بزرگ با صنعت امریکای لاتین این ها فلسطینی نیست. کوچک است. اما جهت و مشخصی برودن این باسادی می توان به دست بطور املی را تعلق به یک بحران ملی، متحد بحران های کشورهای بزرگی از لسلی برزیل، مکزیک و سی کلبیا همچنان محلی می ماند و هر چند اساسی می توان به آن سرچرود کرده بود، آنکه در هر حال از این سه کشور می توان به یاد آورد که، آنکه، اوله که کشور او در آمریکای شمالی است. اندک ساله فرار از آسایش این ها فلسطینی است. اگرچه کوچک سازمانها که محصول اشغال کشور توسط کشاورزان و امداد امریکایی بود، در السانادور و سبالی به حکومت نظامی می آمدی قبل فلام ۶۰ هزار فرار در سال ۱۹۷۲ است، دو کشور است که سیاست نظامی سرچرود می آمد گوشتی ۱۹۷۱ است که سیا هزینه بود امریکایی کرده دولت او برتر را سرچرود کرده. لیکن گروهی که می نیاز به آبرو یا می میسر شدند گروهی اصلاحات اقتصادی با سیاسی اساسی کرده اند. گروهی که در نظر آنها، به نظر اساسی وارد می شد. بحری آنکه، مردم مثلاً در خلال دهه ۱۹۶۰، دهان السانادور با کمک مستشاران امریکایی و بنه اتونوژی می شد.

کایر چین امریکایی در منطقه کو جمعیت ساحل آمینوس اطلس - وسیعاً بکار گرفته شد. کشیش های قلب فلسطینی نیز درون شامیر و در مورد سرچرودان منطقه - که بعد از گوتالیا مورد استفاده قرار گرفته - اثر چاره در اجناب جبهه ها گروه های کارکنان کاتولیکه سابق می شدند. در ساحل عربی گوتالیا نیز، در کمربند مناطق کشاورزی صادراتی، کشیش های بزرگی صلوات به تشکیل انجمن های مسیحی پایه کرده.

عقل بحران و امریکای مرکزی

گسترش اقدامات و تأمین های انقلابی در امریکای مرکزی، اکثر نظرون را شگفت زده کرد. حاشیو که یکی از فلسطینی اجتماعی مورد احترام امریکای مرکزی خاطر نشان کرده است در آغاز دهه ۱۹۷۰، نه تیز مردمی، به نبرد های پیش آنگ و نه فلسطینی علوم اجتماعی در منطقه فلاوروند ایجاد بحران، را که چند سال بعد پوابع امریکای مرکزی را با این همه بزرگ، آسانتر می کند. در واقع، شاید اشاره، به مشابهت های زیادی که در مورد مطالعه از یک منطقه در امریکای مرکزی، در کشیت تحت عنوان جنگ های دهانی نیز، نسبت به آن یاد شده است. مانند شتون دیس و در تطبیق برآموس گوتالیا، با اشتباه به یک رنگ است که جنگ های دهانی جدید در مناطق خود دهه ۶۰، دهان فلسطینی بر گسترش روابط تولید سرمایه داری جدید فرزند خود کرده شده اند. اگر افزایش جمعیت، مشکل تولید (اشغال) کشاورزی را تشدید کرد، است. هر وقت کشور خود، در دهان را از دست داد، است و بر اساس آن مناطق که دهان با طبقات اجتماعی شهری و امراض سیاسی انقلابی برقرار کرده اند، چهار برب تطبیق و تفه، دیس کش می کند تا تحولات امریکای مرکزی را در زمینه گسترده های مورد مطالعه قرار دهد.

در بحث های که بر امرو این امریکای مرکزی مطرح می شود، سخن گفتن از جنبش (elites) معمول است که در وقت اولیه شان از میان فرین دورین اولیه تبارت نمود، پس از آنکه زمین های دهان را غلب کرده است. دست آورده شد گسترش کشاورزی صادراتی به جهت حضور جدید است. از جنگ جهانی دوم، مردم توجه قرار گرفته است. محصولات جدید (کشیک، بنه و زرد کاه، مستطرد در دهان فلسطینی است که در بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۲، سطح زمین های قابل کشت بر این محصولات صادراتی ۵/۵/۵ افزایش گرفت. در حالی که سطح زمین های قابل کشت برای تولید مورد نیاز فلسطینی در سال ۱۹۷۲ به ۴ درصد افزایش یافت. در حالی که سطح زمین های قابل کشت برای تولید مورد نیاز فلسطینی در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ در ۱۲ هکتار برای هر نفر به ۱۰۵۰ هکتار کاهش یافت. در السانادور، در نظر به مشابهت زیاد میان فرار و جنگ، در فلسطینی تولید در اثر افزایش تعداد دهان بین زمین، ۱۱ حدود ۱۰ درصد کل جمعیت و روسایی در سال ۱۹۶۱ به ۶۰



وسته سازمان دولتی به گروهی از دهقانان که زمین های باز را به امید اجازه خرید آن اشغال کرده بودند حمله کردند. سازمان که از تاشک و بازارکا استفاده می کردند ۶ تن از دهقانان را کشتند و ۳۶ نفر را بازداشت کردند. این نیز نایبند شدند این واقعه اولین اشغال زمین به این شکل در السالوادور، اهمیت خاصی دارد، چرا که فریبان آن به هیچ سازمان خاصی نداشتند، بلکه سعی آنها حاصل بحث و تصمیم گیری در انجمن مسیحی پایه محلی شان بود. مردم پس از آنکه از زمین ها رانده شدند، در اتحادیه کارگران کشاورزی (CNC) را تشکیل دادند که بعدها با فدراسیون دهقانان مسیحی متحد شد.

در همین حال که گروههای مسیحی نود می به فعالیت های اجتماعی و سیاسی بیشتر روی می آوردند، سازمان های چریکی نیز شروع به ترویج شدن به آنها برای تشکیل انتلهای خود کردند. گروه آشکاره ای پس از حمله به لا کانتادا، نامه فلاریون دومارتی را که در سال ۱۹۷۰ تشکیل شد، نامه سرگشته ای به مسیحیان فرستاد و در آن ضمن تحویل این رویداد از آنان با دعوت کرد به مبارزه بیوقفه. این نامه دال بر آن است که سازمان های چریکی، پیشاپیش در برض از فعالیت هایی که در سطح مردم کوچک و بازار انجام می شد دعوت داشته اند. به عبارت دیگر، سازمان های مردمی، خودی در نتیجه کار سیاسی چریک ها یا به عرضه نهایت گذاشتند. در ژوئن ۱۹۷۵، یک صله دیگر ارزش به دهقانان در محلی پناه دهنده ترس کالیس، موجب برای اعتماد نظر انجمنی توسط دانشجوهای دانشگاه ها و هیئت اقدام مسیحی مردمی در سی لم ژوئیه شد. نیز ده های دولتی، رهبران را هنگام عبور از یک بل به ننه انداختند و ۱۹۷۵ تا ۲۰ نفر را کشتند گروهی از کشیش ها و راهب ها، سازمان دهقانان رهبران را در دعوت کردند تا بعضی از خانه ها را برای مراسم تدفین به کلیسای جامع ببرد. در نتیجه آن کالیس توسط نظامیان گارد اشغال و تسلیل شد. در داخل کلیسای رهبران سازمان های تازه تولد یافته و شغلر بحث های ایدئولوژیک تنفی بردند. هنگامی که تمدن در کلیسای جامع در ۶ اوت پایان یافت، یک گروه بزرگ از هیئت اقدام مسیحی مردمی، اشغال کرد و بزرگ مردم انقلابی را تشکیل داد که در ابتدا عمدتاً متشکل بود از اعضای فدراسیون دهقانان مسیحی و اتحادیه کارگران کشاورزی. همراه با سازمان ملی مصلحتی «هیئت اقدام مسیحی مردمی» دوم و سازمان های مردمی دیگر نیز، بعدها تشکیل دادند.

این سازمان ها در این مرحله می توان بطور کلی بعنوان سازمان های نو ده ای با یک پایگاه متعصب گشته این بلین بود که سازمان های مسیحی و بخصوص احزاب مسیحی، در ایستادگی بطور توانمند چهارچوب تحلیلی آنها کارگرمی بود. در واقع حوادث بعد نشان داد که آنها با سازمان های چریکی روحانی داشتند، اگر چه این سازمان در اواسط دهه ۱۹۷۰، سازمان های کوچک بودند و عملیات بسیار محدودی انجام می دادند. با این حال اهمیت دارد که ماهیت این روابط را مشخص کنیم. بر اساس سابق امر نشان می دهد که نمی توان سازمان های مردمی را بسادگی ابزار گروه های مارکسیست، تلقینت قلمداد کرد. بلکه آنها نمونه های مستقل سرخوردگی دهقانان بودند. در سطح محلی هم مستقل عمل می کردند. این انجمن ها گروه دایک مردم انقلابی، با افراد کلیسای بودند نزدیک داشت و افرات فرخنده بود. اگر اثر مسخره جملی از اینجمن های مسیحی پایه بخوانیم، از آن رو که دهقانان مسیحی در سطح دهکده مبارزه می نمودند و فدراسیون دهقانان مسیحی السالوادور به رانندگی مستقلی و رانندگی پایانی به ایستادگی کتاب مقدس می داشتند که از طریق شرکت در انجمن های پایه حاصل شده بود. دهقانان بین «دیاری خود براسطه اشتراک با کتاب مقدس، و مشارکت در سازمان های مردمی» که در آن آراء و عقاید مسیحی، می توانستند، ترمی رابطه مستقل می دیدند.

بعضی از فعالان کلیسای، از حمله کشیش ها در درباری که مطرح به شکل گرمی سازمان های مردمی شد، ترسک داشتند، و آزاری کرده بودند. اینجمن های سازمان ها در ایستادگی و آن تالی می کردند و مطمئن نبودند که چه رابطه ای باید با «انجمن های مسیحی پایه» داشته باشند. مغل و رولینو گریو در دهه ۱۹۷۰ روحانی متعلق گلازوری در انجمن کلیسای مردمی در سال ۱۹۷۵ سرگرم گروهی از انجمن های مردمی کلیسای پیروی کرد. با این اشتداد که اشغال های سیاسی، اشغال های است که در برابر مردم غیر روحانی قرار دارد و کشیش بخیران شامل وقت در اجتماع با یک نوع عرض اشغال شد. با این حال او مشرف وقت است سازمان ها را شخصاً می داد و خطانی را در عتق پدیدار این ها بود.

● بین سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۷۵، سهم دهقانان بی زمین در السالوادور از کل جمعیت روستایی، از ۱۱ درصد به ۴۰ درصد افزایش یافت

● سابق امر نشان می دهد که نمی توان سازمان های مردمی در السالوادور را بسادگی ابزار گروه های مارکسیست قلمداد کرد. بلکه آنها نمونه های مستقل سرخوردگی دهقانان بودند و در سطح محلی هم مستقل عمل می کردند.

مزارع کشاورزی را بزرگ آب فرو برد و موجب آوارگی بازده هزار دهقان شد. متشکل آنها تدبیر به پیمان های برای اعتراض نمودی. در می یک سلسله گروه هم این با شرکت سازمان های و سایرین، بانک سازمان فراگیر بنام «لایو» ایجاد انجام متحد مردمی (الفور کور) بخاریز اوله، که از سازمان مردمی دیگری که بعدها به همین نام تشکیل شد تفاوت است. در نتیجه اختلافات داخلی نتوانست بکار خود ادامه دهد. اما نمونه ای از گرایش مبارزات محلی برای تبدیل شدن به یک مبارزه ملی آسراسری بود.

در نوامبر ۱۹۷۶ در منطقه «لا کانتادا» در استان سان

دمکرات مسیحی ها آرا در دهه ۱۹۶۰ پایان گذاشته بودند. در اوایل دهه ۱۹۷۰، رهبری صید این فدراسیون راه مسیری مبارزه جزو هدایت کرد. عناصر سازمان دهه اندرسون مذکور می توانستند کار خود را با اعضای «انجمن های مسیحی پایه» شروع کنند که به گسترش تسلیم روحانی در ایستادگی به کلیسای آرا آغاز کرده بودند. اقدامات و اشتداد تالی این اقدامات تشکیل و اقدامات دیگر بزودی منجر به پیدایش بانک نهجست ملی شد. در سطح مردمی نیز انجمنی در توئکی ایگلازوری، که برخی از فعالیت های اولیه «انجمن مسیحی پایه» در سال ۱۹۶۹ در آن شروع شد. بانک سید ویدال و کفر یکی که کنار آن هنوز به انجام رسیده بود.

معجزه می کرد. انقلاب چین مومنی در کار بود. فلسفه از مشکلاتی می شود. به نمونه از این مشکلات و از اواخر سال ۱۹۷۵ شکامی که حضور سپهر و هفتاد تن مسیحی السالوادور مدتها برگزار می اولین تظاهرات عتی اش را فراهم می کرد. هرگز کرد.

برخی از رهبران آکه دهیات های کتاب فلسفه از حوزه های مختلف بودند. خوشتر برگزار می یک مراسم های عمومی ویژه شدند. گروه کلیسیای مسیحی (گروه گرانده) پس از مدتی بحث پیشینه کرد که بحث جشن کلیسیای مسیحی (ظانان) برگزار کند. اما بشرط آنکه بلافاصله بعد از مراسم ها به داخل کلیسا آورد. سپهر و صفا بر رویه نشو.

این مساله دو مورد دیگری نیز مطرح می شود. می توان چنین استدلال کرد که شاید نشی و نامی کشیش ها و راهبه ها آکه کردن و موافقت کردن بوده است و مردم خود دست به این اشتباه های. سپس زده اند. اما در انصورت مساله به این شکل نظر خواهد رسید که مسلمان کلیسیای مسیحی که موافقت صحر به خط شد. مردم را رها کردند اما آبا تمهد مسلمان مذهبی به این معنی نبود که رابطه دارند با مردم مسلمان و در طول مسیر آنان را صراحتی کند. اگر چنین است. آنان که بر رابطه میان کلیسیا (مسیحان) و مسیحان های مسیحی (راهبه) و سازمان های مردمی چیست. حل این مساله. در ضمن ماهیت کار باجین های پایه و در السالوادور و گوانتالا اسامی است.

بعضی بحثی این مقاله نشاندهی را که در این زمینه هرگز کرد به تفصیل. در هر دو مورد. در اینجا به مطالعه السالوادور و پرونده مذهبی اگیلاس می نشیند.

در اوایل و اواسط دهه ۱۹۷۰، فعالیت مذهبی از طریق دانشجویان مسیحی پایه. الگری اصلی کار در حوزه های روستایی نسبت به پیش کلیسیای اسقفی السالوادور بود. برخی از این حوزه ها عبارت از صحری بود. اگیلاس، روستاها و مراد. گوازیلا. گوت. رینه. بان. راکانه. گوتوگا. ارکان. و کوچه پیک که همه آنها محدوده تردهای مذهبی بین شورشیان و ارتش در سالهای اخیر بوده اند. کار با استفاده از الگری (انجمن های مسیحی پایه) در بحث های شریف و لمس کشور کمتر رواج داشته.

در نیکاراگوا بحث حکومت سوموزا. حرکت مشابه جهت تشکیل سازمان های دهاتی بوده ای و بعد نوشتند اما هرگز آموزش و تعلیمات کشاورزی (CERPA) توسط کشیش های مسیحی و رهبران آموزش دهه غیر روحانی در سطح محلی. تشکیل شد با فرا رسیدن نیمه دهه ۱۹۷۰ شیگای از صفا دهقان آموزش دیده توسط این مرکز ایجاد شده بود. اگرچه این شبکه با سازمان مردمی بود. اما مردمی که تحت توده ای ضد صوموزا. در اوایل دهه ۱۹۷۰ رشد کرد. این مرکز تشکیلات دهاتی سیاسی را در بخش جنوبی

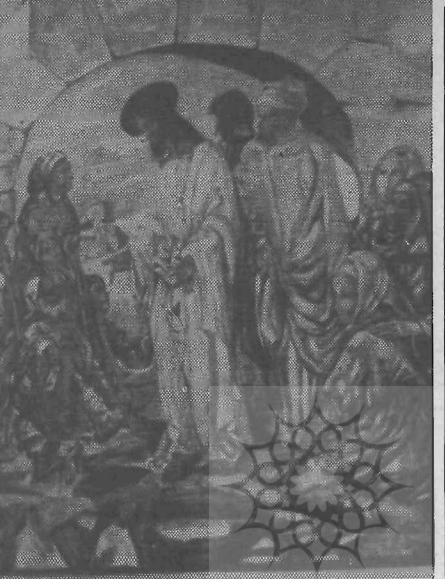
سازمان مشابه و فرانسون دهقان مسیحی السالوادور و اتحادیه کارگران کشاورزی. در گوانتالا اگیسه اتحادیه دهقان (COC) است که در سال ۱۹۷۸ تشکیل شد. مسکن است این کمیته اگامانه درسی های متشکل گروهی و دهقان در السالوادور و الوته و آبراکو پسته باشد در فرمال. اگیسه ایجاد دهقانان اغلب از منابع فعالیتها ی که در گذشته توسط افراد کلیسا ایجاد شده بود. هرگز. گوت. ماکاز. سوخا و با رهبران انجمن های مسیحی پایه شروع کرد. دهکده اتحادیه دهقانان. نیز سرعت تبدیل به یک جنبش سراسری شد.

سازمان های مردمی در السالوادور و گوانتالا تشکیلات خود را به تدریج گسترده کردند که نماینده بخش های متعددی از جمله دهقانان اتحادیه های کارگری. کلیسیای ایجاد، معلمان. صاحبان حرفه ها. گروه های کلیسا و مسیحی باشد.

مهاجران جاز اگیسه است که پایتیم این سازمانها کار خود را در دهقان شروع کردند که آنها نیز به خود از طریق فعالیتها ی مذهبی (انجمن های مسیحی پایه) درگیر فعالیت اجتماعی شده بودند.

تا اینجا گویند که هر که چگونه سازمان های مردمی. به رسمیت از طرف و متر سن سرمایه داری و تلاش مردم برای تشکیل. در نتیجه کار تبلیغی رشد کردند. از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ السالوادور مدت مساعی بود که در آن بازگران ایمنی (انجمن های ارتش و یکسوز و سازمانهای مردمی و سازمان ها. در کلیسا. کار نشده. اما فعالیتها ی سبزی را شکل دادند.

اگیسه تلاش های از گرایش اصلاح طلبانه در میان نخبگان حاکم نمایان می شد. یکی از این حرکت در سال ۱۹۷۶ دیدار شد که مدت بعد. رهبران کلیسای مسیحان ایرانی به اصلاحات محصل از طی آ که به دسترسه یک طرح سوره مسیحی که قرار بود در استان به اجرا آید بیشتر



● اسقف «رومهروه» در فرد مسیحی، ایمان و سیاست از هم جدا نیست، اما این دو یکی نیستند. باید به آمیزی از این دو دست یافت. اما برنامه های خاص سازمان های سیاسی نباید جایگزین محتوای عقیده دینی شود.

● کودتای ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ در السالوادور آشکارا به این قصد انجام شد که از یک قیام فراگیر مردمی، همانند آنچه در نیکاراگوا رخ داد بوده، پیشگیری شود.

اگیلاس در نتیجه با اطمینان آب روخته ای که سد جسروالکتریک بران تا به بوده. زمین های کشاورزی خود را از دست دادند. اما نظرف معمل هزاره، اروپا که مردم حالت بی پروا و احساسی گوتوگا از آن دوست آوردند. به خود. به خود. به خود. به خود.

این دهقان ۵۰ هزار در مزرعه بزرگ اربانی کار کرد. بودند. اظهارات به خصوص گوتوگا کلیسای شلیک شد که در نتیجه آن دادوآورد اولانته (اصلاح برتر شلیک انقض برادرش فرانسسکو) کشند شد.

تشکیلات روستایان و ملاقات تبلیغاتی را برام داشتند و اروپا را به تدریس شیبینی که توسط دادوآورد. جانتا. و پیش

گروه های چهار در جمله بدون مردم اعلامی. آنا بعضی به شد. دهکده دانشگاه جهت جشن کردن مبارزه مردمی مردم. معتمر کرد و الیگاری نیز به مبارزه تبلیغاتی وسیع و اولیه آن دور و زمانه سازمان داد و توه تفاسیم به اقبال نمود. داشت طرف خنده های برامه بکنار. و دیگری که به طوری اصلاحات ارضی را از طریق سازمانهای نسبتند روستایان و املاک بعضی خصوصی گرفته بود. احساس کرد که زمان مناسب برای برخورد با سازمان های مردمی آن بخش های از کلیسا که به آنها مربوط بود فراهم است. حالتی که در سال ۱۹۷۶ روی داد. بهانه لازم را فراهم کرد. بعضی از اعضای فرانسوزان دهقان مسیحی در منطقه



سیاسی - اقتصادی

رسیده است. مطرح کرد و اگهی های تبلیغاتی در روزنامه ها چاپ رسد که در آن فدراسیون دهقانان مسیحی به کشتی های سوختی، کشتی های دیگر و حتی اسلحه اعظمی، توریس چابری گرانس، محکوم کرده بودند. دولت نیز طرف پیروز بود. در اوقات شکست و اخراج کشتی ها در اوقات تا اواسط سال ۱۹۷۷ با بیش از ۲۰ کشتی چنین معاهده شد.

افکار حمله به کلیسا و سازمان های مردم مدافع بود با آخرین حمله مبارزات انتخاباتی که در آن اشغال اصلاح طلبانند. اخیراً از پیروان ملی و در مقابل حزب حاکم طرف گرفته بودند. پس از آن که حزب حاکم از طریق تلفنگ گسترده اشعارات را برد، و اتحادیه از پیروان ملی، نظارتان یک هفته ای را تسهیل داد که نمایان باشد. بافت که در حال بود. در آن دوره حمله قرار داد و با ضرب و شتم صدها تن، ۲۰ یا بیشتر را کشتند. خونی که بر کف خیابان ریخته شده بود پاشان های اینهاقی کشید.

این حمله در ۲۸ تیر به اتفاق افتاد. در ۱۲ مارس، ریدیلر گرفته و روحی اگیلرس روحی و در پیروان و سرشناسی او پیشانی با مسئولین به نظر رسید. سبکی است گفت بود. پس از آن که حزب حصد بود، رئیس آژانس چنگاگونی دولتی در روز قبل از این واقع بود. بروما، توسط بانک سازمان چریکی بود. خود، هم و قبل گرانده خاند چنگاگونی به نصیحت و مجتهد در مقابل چنگی باشد. اما نمی عسقرت می بود گفت که نقل و نقل یکی از حلات مستندی بود که علیه سازمان مردمی انجام می شد. اما علیه اعظم و اصلاح طلب مردمی که بنظر می، محبوب شده بود، در پاسیو به این واقع، مردمی به کاتولیک را به مدت سه روز تعطل کرده و در روز یکشنبه با تعطل مراسم های کلیسیا بدون با اقدام اعتراضی دیگر، به مراسم های جمعی بزرگ برگزار کرد.

اما حشوت حسیان ادامه داد. در ماه مه، پس از آنکه یکی حشوت حسیان یکی طبق حاکم توسط بیرون شد و به نقل رسید. پدر آلدوسو نارود و خانه های ریود گروس به نقلی ظاهری با توجه به سلطنتوران طبقه، که اعتقاد بر این است که توسط ژنرال روبرتو دایسون است. این می شود به نقل رسید. سر آرتور و نیروهای امنیتی با استفاده از نشان و هلی کوپتر به پاسکزی سفله اگیلرس برداشتم و پس از پاسکزی متاخر روسی و او شهر شده و در ساعات اولیه بعد از به کلیسا و خانه های متعلق به این حمله

کرد و به ضرب و شتم کشتی ها و سایر مردم وارد شدند و حمله را که برای صدها در اوایل رنگ کلیسا اقدام کرده بود کشتند. سران روز به خلال روز به جستجوی خانه به خانه و ضرب و شتم مردم بودند. بعضی از افراد فقط به این دلیل که عصبی های او و ویلر گرانده باشند از خانه ها خود بیرون کشیده شدند. این عملیات در واقع دهشتناک و توطئه نام گذاری شده بود. سربران کلیسا را اشغال کردند و آنها به یک پادگان تبدیل کردند. در حدود ۵۰ نفر کشته شدند و صدها نفر نیز بازداشت شدند. نکته حاز اهمیت این است که این عملیات تمام مردمی به علیه برپا شده، با یک علیه و رهبران کلیسا و سازمان های مردمی انجام شد. سرانجام در ماه ژوئن سال ۱۹۷۷ سلطنتوران طبقه اعلام کرد که روبرتو دایسون می ۳۰ روز وقت دارند که کشور را ترک کنند و در غیر این صورت به یک کشته خواهند شد. مامیت حسیب این تهدید را تشریح مکنوس، در مورد عملی کردن آن سرانجام موجب جلبت بین المللی به السازادور شد که بعنوان کشوری که در آن حقوق بشر با خشونت تمام نقض می شود شناخته شد. پس از آنکه ژنرال هرستور رومو در دسامبر ۱۹۸۱ در ریاست جمهوری رسید، کند نیز رویدادها تا حدودی افسه شد. مهلت زمانی سر رسید و اتحادیه سلطنتوران سلبه تهدید خود را عملی نکرد. اما در فرا رسیدن این مرحله مشخص بود که الگاریسی و نظامیان، سازمان های مردمی را وابسته به کلیسا می دانند. کشتی های خانه گرانده، هرگز مدعی این ماند اگیلرس اصیت نمایان یافتند.

در همین حال سازمان های مردمی همچنان در فشار کشتورشن می مانند. از سال ۱۹۷۷ به ده جبهه اعلام متعهد مردمی، امنیت زبانی یافت و نمایندگان از اتحادیه های شهری حضور زبانی داشتند. این جبهه روابط مستحکم با داجین های مسیحی پایه داشتند. اگرچه

* در همان زمان که عالمان اجتماعی آمریکای لاتین، نظریه وابستگی را تدوین می کردند، علمای مذهبی و فعالان کلیسا نیز باورهای اساسی و الگوهای فعالیت مذهبی رسمی را به نقد کشیدند.

در همان بعد از بحسن در کلیساها بعنوان یک تانکیست استفاده می کرد، فرانسویان دهقانان مسیحی و اتحادیه کارگران کشاورزی و دهقانان روسیانی استثنایی را سازمان می دادند. در سطح ملی نیز در پی طرح قاضیانی دهقانان از زمین از زمین حائل مستخدمه روزانه ۲ دلار آمریکا) و تعیین شرایط مناسب کار (مثلاً ارائه مدارک مشخصی تا) و ارض و دفعه فلان) بر آمدند. در همین حال درگیری های خودمختار محلی می گرفت.

در خلال دهه های سال ۱۹۷۸، سازمان داورنه و سربران دولتی به یک حمله علیه راه کلیسا در قلمروین دهقانان مسیحی و در منطقه مسان پسر و پیرولاباز، در چندین ایالت - سان رافا، سازمان داد شد. در این ایضا، فرانسویان مذکور قبل رسیدند و ۶۸ نفر نیز ناپدید شدند. در زمانه ها، فرانسویان و فرانسویان مسیحی و بعنوان طرف مهاجم معرفی کردند. اما در نظر سلفدار کلیسیایی ایالات، با روح بی عدالتی سست نشان داد که واقعیت حقیق این است: تیرجه ای از این قبل بود که مناطق کلیسیایی امنیتی سان رافا و بران داشت که شروع به چند اوری و انتشار اعتراض در روسیه شرقی تحت پوشش آسکار رومو و اسف اگیلر بود. شروع به طرح عملی مامیت سازمان های مردمی کرد و مستقیماً به موضوع تلفنگ مناسب بود. بحران ملی، پرداخت

روم و در اوت ۱۹۷۸ نامه ای را تحت عنوان کلیسا و سازمان های مردمی، به مناطق تحت پوشش کلیسیایی اقلی ارسال کرد. اقدام به حمله نامه ای دربار، این بود. شروع به خودی خود قابل بود. دست اما حشوتی این قابل ترمز بود. در حر استالودور، وولر و الگاریسی این سازمان ها را کمونیست قلمداد می کردند. این دیدگاه از جانب اسلقدف دیگر استالودور نیز تابه می شد که در همین زمان اقدام به انتشار اعلامیه کلیسیا کردند که در آن سازمان های مردمی اساساً دمارگسترده قلمداد شده بودند.

روم در موضع متناظر گرفت و ملاقاتی را شرح زیر مینویسد:

۱۰ درجه رابطه میان کلیسا و سازمان های که از دل آن بیرون می آید، نشانه منظور و فرانسویان و دهقانان مسیحی و اتحادیه کارگران کشاورزی باشد. طبیعی و علوی است. ۲۰ در روز مسیحی، ایمن و سیاست از حد صاف است. اما

این دو یکی نیستند باید به آمیزه ای از این دو دست یافت. اما برنامه های خاص سازمان های سیاسی نباید جایگزین محتوای عقیده دینی شود.

۳- استقلال کلیسا و سازمان های مردمی باید معتمد باشد. هیچکس نباید توطئه داشته باشد که کلیسا یا سازمان های باغ یک سازمان مردمی قرار گیرد.

۴- ممکن است میان وفاداری به علمیه دینی و وفاداری به یک سازمان، تنش وجود داشته باشد.

۵- مسیحیانی که در سازمانها حضور دارند باید عقیده خود را سازمانگر دارند. این عقیده باید چهار چوب مربع فکری آنها باشد. کسی که ایمن خود را از دست داده است نباید از عقیده دینی برای میل به اهداف سیاسی (سودا) استفاده کند.

۶- در مسیحیان اشتغال سیاسی مترادف هیچکس نباید مجبور به بیوس به یک سازمان شود.

۷- تمامی است که کشتی ها با سازمان های مردمی احساس شعری کند و از آنها خواسته شود که در آن سازمانها به فعالیت بردارند. باین قابل نقش آنها کشتی ها باید محدود به این باشد که در راه و اهداف و عملیات که این عقیده خواستار آن است، شوق و اراده باشند. نباید کلیسیایی فقط در برابر اشتغال، پس از شعرت با اسف و پس از تشخیص کامل آنچه می کند، باید دیگر به عقیده سیاسی شود.

۸- اسف و رومو دینی این نبود که نشان در رابطه با شت میان کلیسا و سازمان های مردمی وجود دارد. برعکس می خواست براین نکته اصرار ورزد که این دو با یکدیگر آمیخته نشوند و مردم استقلال کلیسا و عقیده دینی را تشخیص دهند. این دیدگاه، نشانگر تشخیص این سازه بود که در سطح روسا و بخصوص برای فرد روسیانی ضررا کلیسا و سازمان های مردمی ممکن است قابل فرض شوند.

بخصوص با در نظر داشتن اینکه جلسات داجین های مسیحی، بهانه و فرانسویان دهقانان مسیحی استالودور و نیز یک سلف برگزار می شد. رهبری این نیز یک فرد مجتهد داشت. در واقع رومو در توطئه می کرد که یک نفر رهبری داجین مسیحی پایه و یک سازمان فعالی را بخیزد. فرمان رومو دیگر، در اینجا نیز اسف رومو بود. صانده بود. در بعنوان یک مدافع حقوق بشر و تعدادی می نمایانده است. در وی در اظهارات وی، در مرحله حقیق طرف اسف حقوق بشر را محکوم کرد و در مقابل حکومت ایستاد. او به عنوان یک فرد، بلکه بعنوان نماینده کلیسا و اتحادیه های که با مردم تیره و دهقانان و فلان کار می کرد و رسیده به ۱۰۰۰۰ نفر، دستگیر شدند. سرگرفت او حضور در رهبران فرانسویان، دهقانان مسیحی استالودور و ششای شت و در باره برخی که نقل رسیده با اجسی ملاقاتی سخن گفت.

در طول سال ۱۹۷۹، در حالی که سقوط سوموزا این احساس و در بسیاری از استالودوری با نفیتم می کرد که در مقدمه چند تیرت مستند بود. اگیلر می داشت گرفت. سازمان های مردمی در نظرات خیابانی شعار می دادند. با ابریت میروا رومو و در صورتی ادلی یکدیگر، ۱۰۰۰۰۰ جبار حشوت نیز با اکثریت در حالی که در سال قبل از این تعداد کلیسیا که نقل رسیده تابه شده و حدود دهها نفر بود. با اکثریت نیز کلیسیا ۱۹۷۹، تعداد کشته شدگان در آن سال به ۱۰۰ نفر رسید.

گوداتی ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ اشکارا به این قصد انجام شد که ارت، قلم، اگیلر مردمی، صانده آنچه در نیکار، اگراخ و دهه بود. پیشگیری بود. سربران وابسته پس از کودتای انقلاب کردند. آنها در ماه دسامبر ۱۹۸۱ کشته شدند. ۱۸ دسامبر صانده سران روز دومه از راهی بزرگ و یک کشتار که ۳۵ کارگزار این اعضا کرده بودند. کشته کردند. اما عملی که نفر را کشته بنابراین اگرچه شوری ظاهری اعلام می کرد که مقاصد اصلاح طلبانه دارد، دست به کشتار روز افزون و اختناق زد.

سال ۱۹۸۰ می توان یک لغزش طولانی و آرام سریی سخن دانست که اکثر مردم از آن اجتناب ناپذیر می دانستند.



دوسم زاتوه اکثر ساینسدان مشهور و افراد متخصص که وارد حکومت سی کردونه شده برونه استعفا دادونه کی بده به جبهه مبارک انبک افشاری F.I.R که تازه تشکیل شده بود پیوسته این جبهه ضابطه سیاسی سازمان های چریکی بود که بتاریکی متحد شده برونه سازمان های مردمی نیز در عمل بخشی از جبهه سیاسی ایام برونه

انها در ژوئن ۱۹۸۸، ۱۰۲۸ غیر نظامی بقتل رسانده سازمان های مردمی خرم خود درین آبرودنه که اعضا و هیات هیئت مطرافات و سازمان های دولت هیئت مؤثر اعلان شده از سوی حکومت روز به روز چنین فعالیت های را بیشتر می کنی کرد.

در مراسم این دوره تشریح و بیانگامه به گنسی استیوار بافت داد اکثر ۱۸۸۰ دهمه روز عمل خونت باور علیه گنسی انجام شده از جمله قبل حدود ۱۲ کشتی و بسیاری از رهبران غیر روهانی، و نیز بازداشت های غیر قانونی، شکنجه و اعدام تحریک کننده از قبیل به مسلسل بستن نهادهای وابسته به حکومت مابین مسطور و قتل ۲۰۰۰ رفته است که این ۱۰۰۰۰۰ پرسوچی است که شکست و پیخ تن از رهبران عالی رتبه جبهه دمکراتیک انقلابی برای استیوار دوری ها شکست آور برونه، بلکه تنها یک مورد دیگر از افرادی بود که تا آزمون دیگر با گنسی شناخته شده میسر می بود اگرچه سازمان های چریکی را بر سر دهه ۱۹۷۰ بود، اما آنها در اواسط سال ۱۹۸۰ بود که عملیات روسی بزرگ را شروع کرده و توانستند روایت های درین مورد خاص ایند و بطور خاص عمل گنسی اقدام در براندازی صحت را از افسان به یک صنگ چریکی با نهمه موسمی و با نهمه ۱۹۸۸ خروج شد با انجام آن نهمه شروع جنگ چریکی. از افسست سازمان های مردمی گنسی شد این سازمان ها چهار یا پنج سال بازیگران مهمی در صحنه حکومت که فعالیت گنسی و کوشش و برونه دهقانان و افراد بی زمین و سایر زحمتگر و متوسط ملی انجام می شد را مطرح می

● در کشورهای مانند نیکاراگو، السالوادور و گواتمالا، کوچکی اندازه جمعیت و متجانس بودن آن سادگی می تواند یک ستیز محلی را تبدیل به یک بحران ملی کند.

گرفته می شد در چند هفته و ماه پس از سقوط سوموزا، توی دهه مسلح وجود داشت که در آن بطور ملی زمین های کشاورزی و ممالک مسوموزا و زمین ها به یکدیگر برگردانده شد. در مرحله همین اگر چه استثنای (کومونوروس) بود - بازیگران کارگران ای از شورای ملی حکومتی صحنه می شود) اما قتل ها به پایان نرسیده به همان زمان که وفادار کینا کاروان ارتش سیاسی به طرف عقب می کشید و طرفت برخی از ساینسدان ها نیز می شد. گنسی کینا کینا نیز با قتل نفسی از آژانس میسی که آن دسته از عناصر حکومتی که نهمه را در صحنه های سیاسی پایه ای، بر سر گرفته بود کتابت سیاسی سیاسی بر ممالک نظیر بحرین فعالیت ارتش ای کتابت فلسفی می باشد، در حالی که سلسله مراتب ای گنسی حساست نشان می داد و از زانی نشیبه به مراتب نیکمان سرورده از انقلاب - مثلا لحن روزنامه لایرس - استعفا می گرفت.

تجزیه گواتمالا به تجزیه السالوادور شبیهت داشت اما میزان خشونت در آنجا بسیار بوده است و این است که این است و زمان به زمان در صحنه آن ۱۲ هزار کشته در جریان جنگ بود که چریکی در دوره ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۹ کشته زمانی پیش از ۱۹۸۰ در وین پیغام تعیین و یک نامه آمده است و می ای می دشمنی و تشریح قرار داشته که اساسا به معنی صحنه قتل سیاسی در هر حال در سراسر دهه ۱۹۷۰ بود است، در مقابل با السالوادور، بعقت شدت سرکوب در گواتمالا حاکم سیاسی بسیار گمنامی وجود داشته است. در نتیجه در گواتمالا هیچ دوره ای مشابه دوره ۱۹۷۸-۱۹۸۰ در السالوادور که سازمان های مردمی در آن کی مرکز حجت قرار داشتند، وجود ندارد. حوادث در فضای سته در آن می داد. کمینه دهقانان و سایر سازمان های مردمی در سال ۱۹۷۸ سرور آورده و با فرامین سال ۱۹۹۱ ایجاد شد. در حالی که در همان سال سازمان های مردمی حاکمیت سیاسی در نیشلی از قتل نشان داده و کتک و زخمی می شود مستقیم بازیشت گواتمالا. انجام می دادند با فرامین سال ۱۹۸۰، حرادی از قبیل جرمی ساینسدان ها در صحنه بازیگران. کودتا در گنسی می بود و رشد در السالوادور و در مقابل گواتمالا به سفارت اسپانیا که از جانب کمینه اتحاد دهقانان انجام شده بود و در آن ۳۳ تن از کشته

گرفته و باقیست با آنها مقابله شد در این مرحله دیگر بازیگران اصلی در صحنه مبارت بودند از جبهه آزادی بخش ملی ایرواند، مردمی ارتش، جیمی از اعضای سازمان های مردمی به سازمان چریک سرورده پیوسته شد. باقتضای اعلام کرده دولتی به گروه «مردمانی آزادی بخش مردمی آزادی و مومانی» که شخصیت افسان قتل سازمان های مردمی افسس مشهور بود در کتک داد و مردمی را کشته شدند.

به همان نحو که کشتار و سرکوب غیر نظامیان در سال ۱۹۸۰ خلاصی بود و آن برهان گرفت نشیبه عملی سازمان های مردمی، یعنی عملی گنسی کینا کینا نیز در این دوره تغییر کرد و ۲۲ مامور استیوار مسطور و در حال انجام مراسم شده و باقی با گولف برونه رسید دفاع از سازمان های مردمی نظامی او دشمنی ایجاد کرده بود، جانشین او استیوار آرتورو ریورانی و اما، سنکرا بریتان به بانک گفت و شنوده که دولت از آن، در نشیبه سر بردار، برای پایان دادن به جنگ بود - پانچاری کرد. «در این صحنه سیاسی به همین حد ادامه داد و در دهه هشتاد میلادی مردم می توانستند در آن زنده گردن امیاده و اعتقاد خود بر مبنای یک گروه ملی دیگر نشیبه یک بازیگر اصلی در حیات ای گواتمالا و السالوادور و فیلیپین در نیکاراگو و یوگوسلاوی این حوادث در خلال مراسم که معادق دوره ۱۹۷۸-۸۰ در السالوادور است، آموخته شد.

در نیکاراگو، اگرچه سده دومی رسوا میوزان حتی به هنگام زلزله و سانس ۱۹۷۲، موجب تخریب میوزان شده بود، برونه در حالی سرگرمی در مقابل با حاکم السالوادور، سنکرا گنار بود. با شروع از آنجا سازمان سیاسی ساینسدان ها در اکتبر ۱۹۷۸، و از کتک نشیبه قتل عمومی بر سر ای روزنامه کینا کینا بازیگران و برادگین کومونوروس زاتوه ۱۹۷۸، تحریک حوادث مرتکب گشته، در اکتبر ۱۹۷۸ برونه ضابطه عملی در جهت بزرگ در کوشش و ۱۹۷۹ در جهت برونه رفته بود.

در مراسم این دوره اطلاعات کلی ضمیمه بود. عقد توافق بر مبنای امنیت (زیمن) ملکیگری می را در مشاهد ساینسدان ها و طرفداران آنها طالب یک انقلاب اجتماعی ضمیم بود. ولی احزاب سیاسی مختلف و گروه های

کنندگان و افراد سفارت زنده در آتش سوختند، جنگی این اشتباه گسترده که خودش اسباب تأخیر بر روی فرا خوام رسد را سرعت می کرد.

ضابطه که در صفحات قبل نشان داده شد، در این صحنه سیاسی ای سازمان های مردمی، و نیز، و کمینه اتحاد (فدائو) را تقاضای می کردند برای «ویژگی های بیشتر بنده گواتمالا، متشکل کمسیون تحقیق و صلح در سال ۱۹۸۸ بود. تشکیل این سازمان، حاصل نشست های متعدد از معنی از سکوت تقریبا کامل گنسی ای روسی در مقابل سرکوبی حکومت بود. (ماریو کارازو، گو، کار، خاتل گواتمالا سیاسی وابسته با دشمنی در برونه گراسی کینا، با نشیبه افسس ای در آتش کتک)

در نظر از این جنبه که این کمسیون، از الکی کی کمسیون های حقوق بشر مسوموزا، بیرونی می شد، ولی بروای جدید به تشکیل از افراد قبلیه کشش دارا فاد و میدان معنی و افراد غیر روسی می شد که در وهله ای آموزش مردمی می داد و سرورده بعضی حقوق بشر مستقیم می توان از ابره می توان این بعنوان مجموعه نیکمستی می توان داشت. این معنی مسسه شده، «مردمانی آزادی بخش» که جبهه دمکراتیک علیه افسان تشکیل شد. کمسیون هدایت و صلح به این پیوسته به این ترتیب این کشیک دهقانان گنسی تبدیل به یک سازمان مردمی شد که در ۱۹۸۱ در السالوادور، دوره فعالیت سازمان های مردمی به دانشمندی و فعالیت انجمن های کارگری، سازمان های اجتماعی، تشکلات کثرت ملی ای و سازمان های ملی این قبیل قرار گرفت. در فضای محدودی که در صحنه سیاسی گواتمالا وجود داشت گروه های کینا، از طریق کمسیون هدایت و صلح تبدیل به بازیگران مهمی شدند.

در گواتمالا، تلفت متشخصی وجود داشت که مثل زاتوه ۱۹۸۱ در السالوادور، دوره فعالیت سازمان های مردمی به پایان رسد و مبارزه چریکی آغاز شود. در اینجا وضع به این ترتیب بود که فضای سیاسی موجود دور و دور گنسی شد و حکومت سرکوب و اطلاعاتی حکومت بود سخت تر شد. با فرامین اواخر سال ۱۹۸۱، دولت از قبیل کنده تن از فعالان کینا، که اکثر آنان به کمسیون هدایت و صلح ارتباط داشتند گرفتار گرفته برونه بود. در آن مرحله، بعضی افسان کار نشیبه انجمن های سیاسی پایه، عملا زیر زمینی

● در آمریکای مرکزی مبارزات مسالمت آمیز سازمان‌های مردمی نوب در جهت احقاق حقوق مردم در خشنوبی پاسخ داده شد که نه فقط علیه این سازمان‌ها، بلکه علیه میلفین روحانی کلیسا و تا حدودی علیه کلیسا بعنوان یک نهاد، اعمال می‌شد.



نقده گشته تشخیص داده می‌شد. مورد آزار لائوسیتان زمان ظهور فرار گرفت اما صراحتاً می‌گوید که در پانزدهم آگوست همانگونه که مرگ او، زندگی به ازمان آورد، امروز نیز هر مردم موجب بدتر شدن زندگی جدید و از جمله زندگی پسران باستان، خود را می‌اندازد. در آن زمان آنگونه نیست که به عنوان یک عده محدودی ثروت می‌اندازند و از آن لذت می‌برند. برادران نیز براساس این گروهی که به سوی قابل پیگیری است، میسرند. این صله مشهور اسفند رومو شده که در آن زمان، به مردم السالوادور در بریکتیته خود شده نمونه این نوع فیس است.

تطور و جنبش های سیاسی پایه سازمان های مردمی نشته خویش است برای دولت آنکه الیهات انباشتن در تسلط چگونگی کار می‌کنند. تجربه روش باطن عدالت ایامی مثل عدالت کلیسا، از قیود و رتوبلیو گرانسه و گروه وادیوین سوسه ایگلازیس گمانکی که شروع بکنار گذارن پاسخ های روشنی در این مورد نشانده اند. گروه ای که می‌باشد پیوسته ایگلازیس گمانکی که شروع بکنار گذارن پاسخ های روشنی در این مورد نشانده اند. گروه ای که می‌باشد پیوسته ایگلازیس گمانکی که شروع بکنار گذارن پاسخ های روشنی در این مورد نشانده اند.

از طرفین مبارزات انقلابی از سازمان های مردمی در وضع در جهت آزادی و صلح میسر است. این جنبه پدید آمده است. افراد آنها می‌شوند نیز آنرا سرود مستحق و آغاز گویری قرار داد با توجه به آنهایی که در مورد او انگیزان آنرا در کشورهای است که حتی چه حدیثی در مسخرین هر کسی در بقای کلیسا، جسی می‌سی، باقی بماند و انقلابی از مردم منطقه و فعالیت در می‌گیرد اگرچه اکثری واجبتی های سیاسی پایه در میان میلیون رومی در بعضی از مناطق روسیا و اسرافاورد و دهه ۱۹۷۰ شکل واضحی داشته و اما آنرا که به مطالعه رانگ آنرا کند، در واج داشته و لیکتاری که در گرانسال نیز تنها جنبش فرسوزی های طوفان از روش تبلیغ میسر بر لائوسیتان های سیاسی پایه استوار گردند.

این استادیات است که فقط ملاحظاتی نمی‌تواند مورد قرار دهد. مبارزات سیاسی خود می‌شود کند و به سیار و از جهت آن آنها انگیزه، مبارکات و فراتر از آنها را تا حدودی پیش از اصول مذهبی می‌دانستند. عبارت دیگر، حتی اگر آنها خود نیز از تقویت روح و جنبش های سیاسی پایه به پای سازمان های مردمی ملحق شدند، بودند از آزار غلبه سازمان مردمی آزادی آنها زودانی که به پانزدهمین های زادینی بود که متعبد سلف اعظم انگاز رومو در گوش می‌دادند که می‌تواند پیش از اینک با تفاسات کلی می‌انجامیده و در آن روی مضمین در آنجل و تالیسیر می‌گردد و نیز در برابر درگیری های روشنی در آنجل و تالیسیر سخن می‌گردد. اساسی می‌گردد که در مبارزات سازمان مردمی است که به آن مشرفین می‌دهد. گزارش امیلی خوارت، اصعب اساسی اراده را در رفاه گرایش اساسی در اینجا بطور تفصیل موارده استناد از مذهبی در پدیدار کردن زمینه اعمال مذهبی و ایجاد ارتباط طریقی و در کشور چین در امر و فرسوزی اجتماعی این امر می‌استد که در این حالت مبارزات خود موضوعیت پیدا می‌کند.

با بیان دلایل این مورد که بسیاری هم از موضوعیت استادی است که بسیاری از مردم مساله مرگ زندگی و مرگبار شده و رایز ایلیه مقدس تسلی می‌کند آنها می‌دانند که سازمان تحشیصی مردم اندو بسیاری دیگر و پاره شده دولت است نیز ممکن است بسرحد آنها این واقعیت و تضاد را مشخصاً به مرگ عیسی از عارض می‌دهد که به این دلیل که بیش از

کسانی که کلیسا را سرزنش می‌کنند که موجب رشد مارکسیسم شده است. تا حدودی حق دارند که اغلب جنبش موعود که سازمان های مردمی از دل جامعه های سیاسی پایه بر سر آورده اند. برای مردم در سطح روسا مشکلی بود (و شاید بر اساسی عشق) که می‌باید با جنبش های سیاسی پایه و سازمان های مردمی تمایز قابل شریف به حسی دلیل بود که ایند نظر رومو بر اساسی می‌گردد که از اواسط تفاسات ایند و با فشاری که در لی در بین خود بر رابطه مثبت می‌باید برای خود گزارد. این رابطه متغلیباً بسیار ضعیف بود، به برای سلطان روحانی، مطرح کرد؛ آنرا گمشد ها و واقعه باید فقط از طریق مردم و ایجاد تشکیلات دفاع کند. یا آنکه باید آنان را در مبارزه نیز همراهی کند و حتی خود به سازمان ها پیوسته.

انگازر بود که در اینجا نیز سوسه در حال وقوع بود. چیزی که در گفت و شنود مسیحیت و مارکسیسم با مسخران مدافع سوسه سیاسیه قویتر می‌یافت که در بهترین ترین شکلشن هندتا سه ساله ای محدود به روشنگران در وضعیت ارتباط انقلابی از سازمان های مردمی در وضع در جهت آزادی و صلح میسر است. این جنبه پدید آمده است. افراد آنها می‌شوند نیز آنرا سرود مستحق و آغاز گویری قرار داد با توجه به آنهایی که در مورد او انگیزان آنرا در کشورهای است که حتی چه حدیثی در مسخرین هر کسی در بقای کلیسا، جسی می‌سی، باقی بماند و انقلابی از مردم منطقه و فعالیت در می‌گیرد اگرچه اکثری واجبتی های سیاسی پایه در میان میلیون رومی در بعضی از مناطق روسیا و اسرافاورد و دهه ۱۹۷۰ شکل واضحی داشته و اما آنرا که به مطالعه رانگ آنرا کند، در واج داشته و لیکتاری که در گرانسال نیز تنها جنبش فرسوزی های طوفان از روش تبلیغ میسر بر لائوسیتان های سیاسی پایه استوار گردند.

این استادیات است که فقط ملاحظاتی نمی‌تواند مورد قرار دهد. مبارزات سیاسی خود می‌شود کند و به سیار و از جهت آن آنها انگیزه، مبارکات و فراتر از آنها را تا حدودی پیش از اصول مذهبی می‌دانستند. عبارت دیگر، حتی اگر آنها خود نیز از تقویت روح و جنبش های سیاسی پایه به پای سازمان های مردمی ملحق شدند، بودند از آزار غلبه سازمان مردمی آزادی آنها زودانی که به پانزدهمین های زادینی بود که متعبد سلف اعظم انگاز رومو در گوش می‌دادند که می‌تواند پیش از اینک با تفاسات کلی می‌انجامیده و در آن روی مضمین در آنجل و تالیسیر سخن می‌گردد. اساسی می‌گردد که در مبارزات سازمان مردمی است که به آن مشرفین می‌دهد. گزارش امیلی خوارت، اصعب اساسی اراده را در رفاه گرایش اساسی در اینجا بطور تفصیل موارده استناد از مذهبی در پدیدار کردن زمینه اعمال مذهبی و ایجاد ارتباط طریقی و در کشور چین در امر و فرسوزی اجتماعی این امر می‌استد که در این حالت مبارزات خود موضوعیت پیدا می‌کند.

با بیان دلایل این مورد که بسیاری هم از موضوعیت استادی است که بسیاری از مردم مساله مرگ زندگی و مرگبار شده و رایز ایلیه مقدس تسلی می‌کند آنها می‌دانند که سازمان تحشیصی مردم اندو بسیاری دیگر و پاره شده دولت است نیز ممکن است بسرحد آنها این واقعیت و تضاد را مشخصاً به مرگ عیسی از عارض می‌دهد که به این دلیل که بیش از

در مارس ۱۹۸۲، ژنرال فران بریس مونت با یک گردتا بقدرت وسعه استراتژی خشنوبی در تکلوه و رومو روی در کهنه سستانهای مردمی زندگی سوسیلالیستیک مشاهده است. زیرا که یکی از ضامانی اصلی برسیان این منطقه کرواسلایستی های سیاسی که به بهره برداری دولتی میگردند می‌تواند که گروه برای روستاییانی که به چرت های کشت می‌کند. و این استراتژی اصلی عبارت بود از خلق فعال سیاست روستاهای گروه های از روستاییانی که به سرور می‌رفت با چارتهارها و اضای وارد شده، کژدند شده به سرراهی کشید شده. برآورده ای که در مورد خصادا کشته شدن در خلال سال ۱۹۸۲ ارائه شده از ۵.۳ تا ۱۰ هزار نفره که تقریباً همه آنان سرحیت بودند. مطافرات است.

سیاست کلیسا و سازمان های مردمی در مقابل مضمین در مردمی مانند استان کیچوه مشاهده است که در آن ارتش نظامی در استان مذهبی و کلیساها و انشقاق و به سازمانها تکمیل نمود. در ژوئن ۱۹۸۰، سه افراد کلیسیا نیز با آنکه در تشکیل خطی و پیوسته اسفند منطقه یک طرف با صلح نام سازمان بود، در آنجا، آثار کرده و در فصل ۱۹۸۰، کار کرده های روشنی و بنیاد لائوسیتی آنان استقلال می‌شد و روسی مونت نیز خود از صاحب خصایف کلیسای کتاب مقدس استراتژی خشنوبی ارتش، فعالیت تبلیغی و جنبش های سیاسی پایه سازمان مردمی از لاسل و کلمه استادیان و دهانه و پیراید با چگونگی بد حد و اصف مصلحت می‌گردد. کودتای لوت ۱۹۸۲ که بریس مونت را بر سرنگون کرد و ژنرال اسکار کلیسا و کپروس، در بحالی وی نشانه زنده مذهبی آغاز این استراتژی گاست اما بریج میوه انجیلی مضمین در آنجا است که به مطالعه جامع ای در آنجا به برای واجبتی های سیاسی پایه و مبارزات انقلابی برای در آمریکای مرکزی را نشان داده است. من بخصوص تجربه السالوادور شده و مذهبی انگلیز را در مورد توجه قرار داد و اما به مورد مطالعه مذهبی آمریکای مرکزی نیز اشاره نمود. اما روشن است که مردم لائوسیتان های سیاسی پایه در مبارزات مرکزی از نظر سرریخته ان به نحوی که به مباحث دیگری آمریکای لاتین پیوسته می‌شود. استیفات داد و روش گارد

مبارزات سیاسی مردمی پایه، جزئی از این باره حرکت است و گروه های مردمی آمریکای مرکزی بوده است. شرکت اساسی که در مورد آمریکای مرکزی بود دارد تا پیش از تقصیر مضمین در برابر توده حوضیت است که در مورد مضمین در عدم دسترسی به زمین، بیگاری و گرسنگی خود می‌یابد. در چنین زمینه، اسفند او نیست که حرکت برای کارزار در لائوسیتان های سیاسی پایه مردم را به طرف احساس نیاز به تشکیلات، ایجاد سازمان ها و فرقی گیری مهارت های رهبری در فرود این سازمان ها میسر داده باشد. شروع قابل توجه در این زمینه عبارتند از دان فرانسویان مذهبی اسرافاورد و فرانسیس کارترین سمورودیه و در کشورهای - سبب اساسی و دقتها در گوانسال و شیکاگو مرکز آموزش و تبلیغات کشاورزی در بیکارگری. مهارت با سالیست استادی این سازمان های مردمی نوپا در جهت احقاق حقوق مردم با خشنوبی پاسخ داده شد که فقط علیه این سازمان ها بلکه علیه میلفین روحانی کلیسا و تا حدودی علیه کلیسا بعنوان پایه نهاد، اعمال می‌شد. در گمانکی که مبارزات به مردم سنگ بهرینگی انگاز رسیده نشد. نشانی های مردمی - و نیز انجین های سیاسی پایه - تقابل با ملت.